

عادی شدن قانون شکنی در خیابان‌های پایتخت

حسین فصیحی

تهران مدت‌هاست با پدیده‌ای فراتر از چند تخلف پراکنده رانندگی روبه‌رو است؛ بی‌توجهی به قانون راهنمایی و رانندگی در بخش‌هایی از شهر به رفتاری عادی تبدیل شده است. از پوشاندن پلاک و عبور از خطوط ویژه تا توقف خودروها روی پیاده‌رو و سد کردن مسیر عبور عابران، تخلفاتی که هر روز مقابل چشم شهروندان تکرار می‌شوند و گویی هزینه اثر تکاب آنها برای بسیاری از متخلفان آن‌قدر پایین است که بازدارندگی قانون را بی‌اثر کرده‌است.

■ ■ ■



هر شهروندی که از خانه خارج می‌شود، تا رسیدن به محل کار، خرید یا مقصد روزانه خود، با نمونه‌های متعددی از بی‌نظمی ترافیکی مواجه می‌شود؛ راننده‌ای که خودرو را در پیاده‌رو متوقف کرده، موتورسیکلتی که از خط ویژه عبور می‌کند، خودرویی که پلاکش را پوشانده و راننده‌ای که برای فرار از دوربین یا ورود غیرمجاز به محدوده‌های ممنوع، قانون را دور می‌زند. مسئله دیگر فقط تعداد تخلفات نیست، مسئله عادی شدن تخلف در زندگی روزمره

است، وضعیتی که در آن قانون شکنی از یک رفتار استثنایی به بخشی از الگوی رفتاری برخی شهروندان تبدیل شده و برخوردهای انتظامی نیز نتوانسته به تنهایی این چرخه را متوقف کند.

۶۰۳ هزار تخلف پلاک

آمار اعلام‌شده از سوی پلیس راهور تهران بزرگ، ابعاد این وضعیت را روشن تر می‌کند. سرهنگ فیروز کشیسر، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ، اعلام کرده است که در سال ۱۴۰۴ بیش از ۶۰۳هزار فقره اعمال قانون برای تخلفات پلاک در پایتخت ثبت شده که بیش از ۲۵۶ هزار مورد آن مربوط به موتورسیکلت‌ها بوده است. به گفته او، در همین مدت بیش از ۳۰۴ هزار دستگاه خودرو و موتورسیکلت ملزم به رفع اثر پوشش پلاک شده‌اند. اما آمار سال جاری نیز نشان می‌دهد مسئله نه تنها فروکش نکرده، بلکه همچنان با حجم قابل توجهی ادامه دارد. از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون بیش از ۱۴۶ هزار فقره تخلف پلاک در تهران اعمال قانون شده که بیش از ۶۱هزار مورد آن مربوط به موتورسیکلت‌ها بوده است. پلیس همچنین از الزام حدود ۸۷هزار دستگاه به رفع اثر پوشش پلاک خبر داده است. این اعداد، بخشی از تصویری است که در خیابان‌های تهران دیده

می‌شود، چراکه تخلف پلاک فقط یکی از حلقه‌های زنجیره بی‌نظمی ترافیکی پایتخت است.

فرار از دوربین تا جرم خشن

پوشش یا مخدوش کردن پلاک از نگاه پلیس، صرفاً راهی برای فرار از جریمه یا دوربین‌های نظارتی نیست. سرهنگ کشیر با اشاره به ماده ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی اعلام کرده است که هرگونه دستکاری، پوشاندن یا مخدوش کردن پلاک جرم است و می‌تواند مجازات حبس شش ماه تا یک سال را به دنبال داشته باشد. به گفته وی، یک روی ماجرا تخلفاتی مانند فرار از طرح ترافیک، عبور از چراغ قرمز و دور زدن سامانه‌های نظارتی است و روی دیگر آن،

استفاده از پلاک مخدوش برای پنهان کردن هویت و سیله تقلیه هنگام ارتکاب جرائم جدی‌تر از جمله سرقت و جرائم خشن است. همین موضوع باعث می‌شود تخلف پلاک را نتوان صرفاً یک تخلف ساده

شاخص	سال ۱۴۰۴	از ابتدای سال۱۴۰۵
مجموع تخلفات پلاک	بیش از ۶۰۳ هزار فقره	بیش از ۱۴۶ هزار فقره
تخلفات پلاک موتورسیکلت‌ها	بیش از ۲۵۶ هزار فقره	بیش از ۶۱ هزار فقره
رفع اثر پوشش پلاک	بیش از ۳۰۴ هزار دستگاه	بیش از ۸۷ هزار دستگاه

ترافیکی تلقی کرد.

پلیس در آخرین حلقه ایستاده‌است

با این حال، مسئله اصلی این است که چرا با وجود سال‌ها هشدار، جریمه، اعمال قانون و اجرای

غلامرضا مسکنی

مرد جوانی که در جریان درگیری ششیانه در بوستان ارغوان، دوست قدیمی‌اش را با ضربات چاقو به قتل رسانده و پس از جنایت متواری شده بود، پس از دو ماه زندگی مخفیانه در باغ پدروی‌اش در غرب کشور، با رصد فنی کارآگاهان شناسایی دستگیر شد. متهم پس از انتقال به تهران در برابر باز پرس جنایی به قتل اعتراف کرد و مدعی شدد هنگام درگیری به شدت مست بوده و قصد کشتن مقتول را نداشته است.

ساعت ۶ صبح روز چهارشنبه بیست‌وهفتم خردادماه، مرد رهگذری با اداره پلیس تهران تماس گرفت و از کشف جسد خونین مرد جوانی در بوستان ارغوان، نزدیکی میدان موج در شمال غرب تهران، خبر داد.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۱ شهر ک گلستان به سرعت راهی محل شدند. مأموران پس از حضور در محل و تأیید کشف جسد مرد جوان، موضوع را به باز پرس کشیک قتل اطلاع دادند. دقایقی بعد قاضی سالار صنعتگر، باز پرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران، همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد و تحقیقات جنایی را آغاز کرد.

شناسایی مقتول

مأموران در نخستین گام، با بررسی اوراق و مدارک همراه جسد، هویت مقتول را «ارژنگ»، مردی ۲۷ ساله، شناسایی کردند. بررسی‌های اولیه نشان داد ارژنگ در جریان یک درگیری و بر اثر اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده است.

در ادامه، جسد مقتول برای انجام معاینات تخصصی و تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی عامل جنایت ادامه دادند.

قرار ملاقات با دوست قدیمی

اعضای خانواده ارژنگ در جریان تحقیقات به مأموران گفتند که مقتول شب حادثه با یکی از دوستان قدیمی‌اش به نام «سیروس»

هویشیاری یک بسیجی عامل جنایت پارک ارغوان را اگر رفتار کرد

متهم: آن قدر مست بودم که نمی‌دانم چه شد!

بازداشت در عملیات غافلگیرانه

مأموران روز قبل با اخذ حکم قضایی راهی تیریز شدند و پس از شناسایی مخفیگاه متهم، او را در خانه‌باغ پدرش بازداشت کردند. سیروس پس از دستگیری به اداره پلیس تهران منتقل شد تا تحقیقات درباره قتل ارژنگ ادامه پیدا کند.

اعتراف به قتل

قاتل صبح دیروز برای انجام بازجویی به دادرسی‌امور جنایی تهران منتقل شد و در مقابل باز پرس شبهه سوم، با اظهار پشیمانی به قتل ارژنگ اعتراف کرد. متهم در ادامه برای انجام تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان این جنایت، در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

قتل در بزم شبانه

قاتل، مردی ۲۱ ساله است که دو ماه پس از فرار، در باغ پدروی‌اش در غرب کشور شناسایی و دستگیر شد و نتوانست به فرار خود ادامه دهد. او در بازجویی‌ها مدعی شد که با مقتول هیچ‌گونه اختلافی نداشته و درگیری مرگبار را در حالت مستی رقم زده است.

سیروس، با مقتول چه اختلافی داشتی؟

مقتول به‌هم‌حل من بود و اصلاً با او اختلافی نداشتیم. حتی با هم دوست بودیم. با پدرش هم دوست هستم و هر دو در پیک موتوری کار می‌کردیم.

اگر اختلافی نداشتی، چرا او را به قتل رساندی؟

من قصد قتل نداشتیم. آن شب همه مست بودیم که این اتفاق افتاد. باور کنید آن‌قدر مست بودم که هنوز هم نمی‌دانم چه شد که با

هم درگیر شدیم.

شب حادثه با او قرار داشتی؟

پاتوق من و دوستانم در همان نزدیکی بود و همیشه شب‌ها آنجا دور هم جمع می‌شدیم. از ده‌کای در آنجا بال مرغ کبابی و جگر سفارش می‌دادیم و دورهمی دوستانه داشتیم. آن شب من و تعدادی از دوستانم آنجا بودیم و جگر و بال مرغ سفارش داده بودیم که ارژنگ هم به جمع ما اضافه شد. یکی از دوستانم چند بطری مشروب آورده بود و شروع به خوردن کردیم. دوستانم کم خوردند، اما من چوگیر شدم و خیلی مشروب خوردم. آن قدر مست شده بودم که اصلاً حال خودم را نمی‌فهمیدم و نمی‌دانستم چه کار می‌کنم. فقط یادم است که با هم در گیر شدیم و من دست به چاقو شدم و او را زدم.

بعد چه شد؟

وقتی دیدم ارژنگ خونین روی زمین افتاده و خون زیادی از او می‌رود، تازه فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام. از ترس فرار کردم. دوستانم هم همراه من فرار کردند. فکر نمی‌کردم او فوت کند، اما روز بعد از طریق دوستانم باخبر شدم که جسد ارژنگ پیدا شده و او فوت کرده است.

چرا فرار کردی؟

وقتی فهمیدم او به قتل رسیده، از ترس فرار کردم. از قصاص می‌ترسیدم و به همین دلیل فرار کردم.

خانواده‌ات خبر داشتند؟

نه، اصلاً به آنها نگفتم که با کسی در گیر شده‌ام. فقط کلید یک باغ پدروی‌ام را که قبلاً تهیه کرده بودم، همراه ساکم و مقداری پول

طرح‌های مختلف، همپسان بخش قابل توجهی از تخلفات در خیابان‌های تهران تکرار می‌شود؟ پاسخ را نمی‌توان تنها در عملکرد پلیس جست‌وجو کرد.

پلیس در واقع آخرین حلقه زنجیره نظم اجتماعی است. زمانی که آموزش، فرهنگ‌سازی، طراحی شهری، حمل‌ونقل عمومی، نظارت اجتماعی و سازوکارهای بازدارنده نتوانند رفتار قانون‌مدارانه را نهادینه کنند، انتظار اینکه صرفاً با جریمه و برخورد انتظامی بتوان رفتار میلیون‌ها شهروند را اصلاح کرد، واقع‌بینانه نیست.

تعداد اعمال قانون، هر قدر هم بزرگ باشد، زمانی اثر گذار خواهد بود که احتمال تکرار تخلف را کاهش دهد. اگر فرد پس از پرداخت جریمه یا رفع اثر تخلف، دوباره همان رفتار را تکرار کند، افزایش تعداد برخوردها به تنهایی نمی‌تواند نشانه موفقیت سیاست‌های بازدارنده باشد.

بازار، تصویری فشرده از بی‌نظمی شهری

برای مشاهده این وضعیت حتی نیازی به آمار و گزارش‌های رسمی نیست. کافی است در ساعات پر تردد سری به خیابان‌های اطراف بازار تهران تر دردد خودر، موتورسیکلت، عابر پیاده، باربری و فعالیت‌های اقتصادی جریان دارد، تخلف در بسیاری از نقاط به بخشی از سیمای روزمره خیابان تبدیل شده است. خودروی متوقف‌شده در حاشیه خیابان، موتورسیکلتی که از مسیر ممنوع عبور می‌کند، وسیله‌ای که بخشی از پیاده‌رو را اشغال کرده و پلاکی که پشت پوشش پنهان شده است، مجموعه این رفتارها در کنار یکد یگر تصویری از انباشت بی‌نظمی ایجاد می‌کنند. در چنین شرایطی، پلیس نیز در بسیاری از موارد بیش از آنکه فرصت پیشگیری از تخلف داشته باشد، در جایگاه ثبت و اعمال قانون قرار می‌گیرد.

موتورسیکلت‌ها، یک ضلع پررنگ بحران

آمار اعلام‌شده درباره تخلفات پلاک موتورسیکلت‌ها نیز قابل تأمل است. از بیش از ۱۴۶ هزار تخلف پلاک ثبت‌شده از ابتدای سال، بیش از ۶۱ هزار مورد مربوط به موتورسیکلت‌ها بوده است. این موضوع در حالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که موتورسیکلت‌ها در بسیاری از نقاط تهران علاوه بر تخلفات مربوط به پلاک، در تردد از پیاده‌رو، عبور از خطوط ویژه و حرکت

برداشت و به روستای پدروی‌ام رفتم و آنجا مخفی شدم.

فکر نمی‌کردی دستگیری شوی؟

نه. در این مدت با هیچ‌کس تماس نگرفتم تا ردی از خودم به جا نگذارم. شب و روز باغ بودم و فقط هر چند روز یکبار برای خرید مواد غذایی از باغ بیرون می‌آمدم.

چه شد که شناسایی شدی؟

دو، سه روز قبل برای خرید مواد غذایی از باغ پدروی‌ام بیرون آمدم. از آنجایی که احساس ترس داشتم فرارم مشکوک بود که داخل روستا پسر جوان بسیجی به من گیر داد و گفت: «تو غریبه هستی، اینجا چه کار می‌کنی؟» او به من مشکوک شده بود که مجبور شدم برای فرار با او در گیر شدم و کتک کاری کردیم. بعد از این درگیری ترسیدم و با خالهام تماس گرفتم و به او گفتم که در باغ پدروی‌ام مخفی شده‌ام و حالا با پسری در گیر شده‌ام و ممکن است او شکایت کند و مأموران مخفیگاهم را پیدا کنند. می‌خواستم با او مشورت کنم که به کجا فرار کنم، اما خبر نداشتم که مأموران تلفنم را رصد کرده‌اند و از این طریق مخفیگاهم را شناسایی کرده‌اند.

چطور دستگیری شدی؟

خواب بودم که مأموران سر رسیدند و مرا بازداشت کردند.

سابقه هم داری، درست است؟

بله، سابقه درگیری و دعوا دارم و مدتی هم زندان بودم، اما وقتی آزاد شدم، توبه کردم و دنبال کار رفتم و به‌عنوان پیک موتوری مشغول به کار شدم. متأسفانه مشروب خوردن زندگی‌ام را سیاه کرد و باعث شد قاتل شوم.

می‌خواستی از کشور خارج شوی؟

نه.

حرف آخرت چیست؟

پشیمانم و ای کاش آن شب مشروب نخورده بودم.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۵۲۰۰۵۷۰۰۳۳۱۰۴۵۶۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم حسین بزدی کرد فرزند حضر تقلی بشماره شناسنامه ۷۲۳ صادره از اسفراین در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۵۶ / ۱۵ متر مربع از پلاک ۹۴۰۳۱۴۲۳ اصلی واقع در کرج محمد شهر خ گلستانک ک بهشتی ۲۱ سمت چپ ساختمان ویلایی همفک کرد بداری از مالک رسمی آقای /خانم زید علی نصیر دهقان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۸/ ۰۵/ ۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴/ ۰۶/ ۱۴۰۵

عباس صبورى – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

شناسه آگهی: ۲۲۵۴۷۶۳

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۸۵۲۰۰۵۷۰۰۳۳۱۰۴۵۶۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم/ زهرا توسلی فرزند مشهدی عباس بشماره شناسنامه ۴۹۴ صادره از قم در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۰۷ / ۱۷۱۷ متر مربع از پلاک ۲۴۵ فرعی از ۱۶۵ اصلی واقع در کرج محمد شهر علی آباد گونه ک گل چشمه ک زکریای رازی روبروی مدرسه خربداری از مالک رسمی آقای /خانم افروز مرادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۸/ ۰۵/ ۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴/ ۰۶/ ۱۴۰۵

عباس صبورى – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

شناسه آگهی: ۲۲۵۴۹۰۴

دستگیری رمالان

ودعانویشان در جنوب تهران

پلیس اماکن تهران بزرگ از شناسایی و دستگیری تعدادی رمال، فالگیر و دعانویس در محدوده خیابان فداییان اسلام و پلعب محل فعالیت آنسان خبر داد.

به گزارش «جوان»، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران اعلام کرد: همزمان با شکایت و گزارش‌های تعدادی از شهروندان درباره فعالیت افرادی که با عنوان رمال، فالگیر و دعانویس در خیابان فداییان اسلام فعالیت می‌کردند، مأموران پلیس اماکن تهران بزرگ رسیدگی به موضوع را در دستور کار قرار دادند. مأموران در جریان بررسی‌ها در یافتند این افراد با سوءاستفاده از باورها و اعتقادات مراجعه‌کنندگان، مدعی حل مشکلات شخصی و خانوادگی آنان هستند.

بر اساس اعلام پلیس، متهمان با طرح ادعاهای خلاف واقع، از جمله ارائه دعا برای ایجاد اختلاف میان زوجین یا آسیب رساندن به دیگران، مبالغ قابل توجهی از مراجعه‌کنندگان دریافت می‌کردند. در ادامه، مأموران پلیس اماکن به محل فعالیت این افراد مراجعه کردند و تعدادی از واحدهای صنفی مورد استفاده آنان را پلعب کردند. متهمان این پرونده پس از دستگیری برای انجام مراحل قانونی و رسیدگی قضایی به دادرس معرفی شدند.